**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

# اصول و روش‌ها

# دعا والدین برای فرزند

عرض کردیم که مقوله دعا برای فرزندان هم برای فرزند دار شدن و هم برای صلاح و امور معنوی و غیر معنوی فرزندان یک مقوله است که در آیات و روایات مورد توجه قرار گرفته است و به دلیل تأثیری هم که این در شخصیت و رفتار و وجود فرزندان دارد این به‌عنوان یک روش تربیتی که در نظام تربیتی اسلام جایگاه خاص خودش را دارد و یکی از جاهایی که یک نظام تربیتی دینی را از سایر چیزها متفاوت می‌کند به این شکل ما باید به این بحث هم بپردازیم و اهمیتش هم روشن است. [[1]](#footnote-1)

# «دعا برای فرزند» در قرآن

گفتیم که هم دعا برای این که صاحب فرزند شود البته صاحب فرزند صالح شود در آیات و روایات مورد توجه است که به دلیل این که دعا با قید فرزند صالح است خود این نوعی ممهد تربیتی است و هم دعا برای صالح شدن و سعادتمند شدن فرزندان در آیات و روایات مورد توجه قرار گرفته است و هر دو شکلش را داریم، چند آیه در مورد حضرت زکریا بود که در سه جا بود، در سوره مریم و انبیا و آل عمران بود که این سه آیه را ملاحظه کردید، آیه چهارم هم مربوط به حضرت ابراهیم بود که در مورد حضرت ابراهیم با **إنّکَ لَسمیعُ الدّعاء** عرض کردیم.

## آیه 101 سوره صافات

در مورد حضرت ابراهیم آیه دیگری داریم که گویا تر است، سوره صافات آیه 101، در آیه قبلی ما با یک قرینه و اشعاری از **إنّکَ لَسمیعُ الدّعاء** می‌گفتیم و از آن استظهار می‌کردیم که این استشعار و این استظهار جای تأملی هم بود، اما آیه دیگری که در مورد حضرت ابراهیم است آیه سوره صافات است، بعد از حضرت موسی در مورد حضرت ابراهیم آیات زیادی در قرآن آمده است و آیات خیلی جالبی هستند و سوره صافات سوره خیلی روان و زیبا و جالبی است که فرمودند: **وَ اللَّهُ خَلَقَکمُ‌ْ وَ مَا تَعْمَلُونَ (**96**) قَالُواْ ابْنُواْ لَهُ بُنْیَانًا فَأَلْقُوهُ فیِ الجَْحِیمِ (97) فَأَرَادُواْ بِهِ کَیْدًا** **فجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِینَ (98) وَ قَالَ إِنیّ‌ِ ذَاهِبٌ إِلیَ رَبیّ‌ِ سَیهَْدِینِ (99)** که می‌گوید شما به سمت خدا برو هدایتت می‌کند و مثل **والذین جاهدوا فیما لَنَهدیینا سُبُلَنا** است، این‌ها چند آیه است که همه این قانون را می‌گوید، یعنی اگر کسی دل برید و به خدا پیوست و به سمت او حرکت کرد خدا او را کمک می‌کند، **رَبّ‌ِ هَبْ لیِ** **مِنَ الصَّالِحِینَ (100) فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِیمٍ (101)** این آیه وضوح دارد و می‌گوید **هَبْ لیِ مِنَ الصَّالِحِینَ** که می‌گوید از صالحان به من بده که برای فرزند صالح دار شدن دعا می‌کند که هم اصل دعا برای فرزند است و تأکید بر صالح بودنش است و هیچ جای شک و شبهه‌ای باقی نمی‌ماند برای این که دارد **فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِیمٍ** و با فاء مترتب بر این دعا می‌کند و معلوم می‌شود که این دعا ناظر به اولاد صالح بوده است.

# جمع‌بندی آیات ذکرشده

پس سه آیه در مورد حضرت زکریا و دعای برای ذریه طیبه بود که حضرت یحیی به او داده شد و یکی هم دعای حضرت ابراهیم است که آیه 39 سوره ابراهیم بود و یکی هم آیه 100 سوره صافات است، شاید بعضی از آیات دیگر مربوط به حضرت ابراهیم هم یک اشعاری داشته باشد چون در سوره بقره و آل عمران هم داریم ولی این دو آیه کافی است، البته این نوع قصه تولد و... را در مورد حضرت عیسی و مریم هم داریم ولی در آن جا در آیاتی که مربوط به حضرت مریم و عیسی است دعایی نیست ولی در این دو مورد در قرآن دعا آمده است، پس آن سه آیه مربوط به حضرت زکریا بود و این دو آیه مربوط به حضرت ابراهیم بود که ظهور دومی واضح و روشن است و یکی هم آیه کلی است که آیه سوره فرقان بود که **وَ الَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنَا** **هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّیَّتِنَا قُرَّةَ أَعْینُ‌ٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِینَ إمامًا** که این **وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِینَ إمامًا** در بعضی از روایات نقل شده است که ائمه این‌طور قرائت کرده‌اند که **وَاجعل لَنا مِنَ المُتَّقِینَ إمامًا** منتها نمی‌دانم روایتش معتبر است یا نیست.

## مفهوم «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّیَّتِنَا قُرَّةَ أَعْینُ‌ٍ»

آن که دیروز عرض کردیم که هَب لَنا دو احتمال دارد یکی این که از همین ازواج و ذریه **قرَّةَ أعیُن** کن و یکی هم این که از این‌ها به من فرزندانی که **قرَّةَ أعیُن** باشند بده که ظهور همان دومی است به دلایل مختلف از جمله این که در این جا تعبیر هَب آمده است یعنی وقتی می‌خواهد بگوید کسی برای من خوب شود نمی‌گوید برای من این صفت را هبه کن، این تعبیر هبه است و تعلق به **قرَّةَ أعیُن** هم گرفته است که آن **قرَّةَ أعیُن** هم آن اشخاص هستند، این که این‌ها را به من هبه کن این را بعید است بگوییم و اصلاً ظهور ندارد در این که مقصود این باشد که یعنی این‌هایی که هستند این‌ها را برای من خوبشان کن و اگر بگوید **وَ أصلح لی فی ذریتی** می‌شود ولی این بعید است. قرائن طوری است که ظهور را همین‌طور قرار می‌دهد که **هَب لَنا مِن أزواجنا وَ ذریّتنا قرَّةَ أعیُن** یعنی از این‌هایی که از من هستند به من نور چشم بده یعنی نه این که خود این‌ها را نور چشم کن. جمع دو معنا نمی‌شود و قرینه می‌خواهد، صرف احتمال و عدم قرینه بر خلاف کافی نیست و باید قرینه‌ای باشد که یکی از قرائنی که ما برای این استعمال لفظ در اکثر از معنا پذیرفته‌ایم این است که در روایات برویم و ببینیم چیزی که به این معنا سازگار است روایت معتبر دیگری به یک چیزی تطبیق داده است که با آن معنا معتبر است که این قرینه‌ای می‌شود که استعمال لفظ در اکثر از معنا است. ما عرض کردیم که در بحث اصولی استعمال لفظ در اکثر از معنا به لحاظ ثبوتی متصور و معقول است اما به لحاظ اثباتی دلیل می‌خواهد و ظاهر احدالمعنیین است و اگر قرینه‌ای بر احدالمعنیین پیدا نشد می‌گوییم مجمل است و نمی‌گوییم در هر دو استعمال شده است و باید قرینه‌ای پیدا کنیم که هر دو معنا در این جا مراد است، البته این را در قرآن داریم و تمنی است اما در این جا قرینه‌ای به این شکل نداریم.

# آیات 124 تا 132 سوره بقره

یک نمونه دیگر هم آیات سوره مربوط به حضرت ابراهیم است در دو سوره که از این به بعد بیشتر دعاهایی است که برای صلاح و خواسته‌های فرزندان دعا کردن است که این‌یکی در سوره بقره در قصه حضرت ابراهیم است، این آیات از آیه 124 شروع می‌شود و تا 132 ادامه دارد، این حدود 8 آیه‌ای که در سوره بقره است به داستان ابراهیم اشاره کرده است و مشتمل بر چند دعا است که من این‌ها را از اول با همین زاویه بحث دعا برای اولاد و فرزندان و ذریه عرض می‌کنم، **وَ إِذِ ابْتَلیَ إِبْرَاهِیمَ رَبُّهُ بِکلَِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنیّ‌ِ جَاعِلُکَ لِلنَّاسِ إمامًا قَالَ وَ مِن ذُرِّیَّتیِ قَالَ لَا یَنَالُ عَهْدِی الظَّالِمِینَ (**124) این آیات از آیات بسیار مهم بحث امامت و ولایت است و مسائل متعددی در این آیات است و یکی از آیات مهم امامت است که امامت بالاتر از نبوت است، البته این آیه در اصول هم در چند جا بحث شده است که یکی از جاهایش در مشتق است، این **لَا یَنَالُ عَهْدِی الظَّالِمِینَ** این که مشتق متلبّس در مبدأ است یا مَن قضا است در همین آیه در بحث ابوبکر و عمر بحث شده است و این که ظالم در این جا کسی است که حتی متلبس هم در من قضا هم نباشد و هیچ‌وقت به ظلم دست نزده باشد، این‌یکی از ادله عصمت است و قرائنی داریم که ظالم را حمل بر این می‌کنیم.

## مفهوم «مِن ذُرِّیَّتیِ»

در این آیه در مورد **وَ مِن ذُرِّیَّتیِ** دو احتمال است، یکی این که سؤال باشد و یکی این که دعا باشد، یک احتمال این است که حضرت فرمود **إِنیّ‌ِ جَاعِلُکَ لِلنَّاسِ إمامًا** من تو را پیشوای مردم قرار دادم، سؤال می‌کند که آیا در ذریه من هم این باقی خواهد ماند؟ خدا جواب می‌دهد که عهد من به ظالمین نمی‌رسد که اشعاری به این دارد که ذریّت ظالمین هم پیدا می‌شوند و این عهد به آن‌ها نمی‌رسد، اگر این باشد ربطی به بحث ما ندارد اما احتمال دیگری که دارد این است که **وَ مِن ذُرِّیَّتیِ** یعنی حضرت با جمله کوتاهی درخواست می‌کند یعنی خدایا در ذریه من هم قرار بده، جواب خدا هم جواب نفی یا اثبات مطلق نیست و می‌فرماید که عهد من به ظالمین نمی‌رسد، این نشان می‌دهد که در ذریه ایشان هم ظالم است و هم عادل است و به بعضی می‌رسد و به بعضی نمی‌رسد، اگر این احتمال دوم را که دعا باشد در این جا بپذیریم آن وقت این دعا برای فرزندان می‌شود یعنی این که به مراتب عالیه‌ای از مراتب معنوی و الهی برسند، البته بین این دو احتمال مؤونه سؤال بودنش کمتر است، چون **وَ مِن ذُرِّیَّتیِ** حذفش کم است یعنی **وَ هَل مِن ذریَّتی** که این‌طور ممکن است بگویند که **هَل مِن ذریّتی** حذفش کم است چون اصل عدم حذف است یا این که حذف اقل است، اما دعا که باشد یعنی **ربِّ اجعَل مِن ذریّتی إماماً** و شاید حذفش بیشتر باشد، ممکن است به این دلیل گفته شود که **وَ مِن ذُرِّیَّتیِ** سؤال است اما درعین‌حال شاید بشود این را جواب داد به این که حذف خیلی زیاد هم تفاوتی ندارد برای این که در آن جا هم که می‌گوید **هَل مِن ذریَّتی** یعنی **وَ هَل تَجعَلُ الإمامَ فی ذریّتی**، دعا هم که باشد این است که **ربِّ اجعَل مِن ذریّتی إمامًا** و حذفش خیلی متفاوت نیست و لذا احتمال دعا است اما حداقل الان من یک مرجح نهایی برای یکی از این اطراف را ندارم.

## «جعل» در آیه 125 سوره بقره

**وَ إِذْ** **جَعَلْنَا الْبَیْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا وَ اتخَِّذُواْ مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِیمَ مُصَلیًّ**، این **جعل بیت** و **مثابة للناس و أمنا** هم احتمال دارد که جعل تکوینی باشد و هم احتمال دارد که جعل تشریعی باشد ولی این را بیشتر حمل بر جعل تشریعی کرده‌اند یعنی این جا را جایی قرار دادیم که باید رعایت امنیت شود و مردم باید این جا بیایند.

**وَ اتخَِّذُواْ مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِیمَ مُصَلیًّ** **وَ عَهِدْنَا إِلیَ إِبْرَاهِیمَ وَ إِسْمَاعِیلَ أَن طَهِّرَا بَیْتیِ‌َ لِلطَّائفِینَ وَ الْعَاکِفِینَ وَ الرُّکَّعِ** **السُّجُودِ (125) وَ إِذ** **قَالَ إِبْرَاهِیمَ رَبّ‌ِ اجْعَلْ هَاذَا بَلَدًا ءَامِنًا وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ ءَامَنَ مِنهُْم بِاللَّهِ وَ** **الْیَوْمِ الاَْخِرِ قَالَ وَ مَن کَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِیلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلیَ عَذَابِ النَّارِ وَ بِئْسَ الْمَصِیرُ (126)** **وَ إِذْ** **یَرْفَعُ إِبْرَاهِیمَ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَیْتِ وَ إِسْمَاعِیلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّکَ أَنتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ (127)**

در ضمن یک اطلاقی است که می‌گوید **اجْعَلْ هَاذَا بَلَدًا ءَامِنًا وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ** چون اصل کسانی که آن جا هستند فرزندان و ذریه ایشان هستند و لذا آن هم به همین ملاحظه گفته می‌شود ولی **وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ** که می‌گوید یعنی دعا می‌کند برای این که گرچه اهل مکه را می‌گوید و شمول دارد ولی مسلم قدر متیقنش ذریه حضرت ابراهیم هستند و لذا این هم دومین موضعش است که می‌شود به آن استدلال کرد.

## دعا در «رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا»

موضع سومش همین **رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا** است که حضرت ابراهیم دعا می‌کند منتها دعا می‌کند هم برای خودش و هم برای فرزندش که **رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا** چه از من و چه از اسماعیل.

## دعا در «تَقَبَّلْ مِنَّا و مُسْلِمَینْ‌ِ لَکَ»

موضع چهارم این است که **رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمَینْ‌ِ لَکَ وَ مِن ذُرِّیَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّکَ،** در این جا صراحت و اوج قصه است که دعا می‌کند که خدایا ما را مسلم قرار بده و ذریه ما را امت مسلم قرار بده، پس ابتدا دعا برای امامت بود و بعد دعا برای ثمرات و جنبه‌های مادی بود و آن **تَقَبَّلْ مِنَّا و مُسْلِمَینْ‌ِ لَکَ** دعا برای ذریه است منتها دعای امور معنوی است.

## مفهوم «أَرِنَا مَنَاسِکَنَا»

**وَ أَرِنَا مَنَاسِکَنَا وَ تُبْ عَلَیْنَا،** در این جا چند دعا کرده است هم این که ما را و فرزندان ما را مسلم قرار بده و هم مناسک ما را به ما نشان بده، **أَرِنَا مَنَاسِکَنَا** دو احتمال در بابش وجود دارد که بیشتر احتمال اول را می‌گویند، **أَرِنَا مَنَاسِکَنَا** یعنی حج را به ما آموزش بده و ممکن است احتمال دوم هم این باشد که **أَرِنَا مَنَاسِکَنَا** یعنی آن صورت ملکوتی مناسک را به ما نشان بده البته معمولاً همان احتمال اول را می‌گویند، **أَرِنَا مَنَاسِکَنَا** یعنی احکام را به ما یاد بده که این بار جالبی هم در این جا دارد که دعا می‌کند ما مسلم باشیم و احکام را به ما یاد بده،

## پیامبر و دعای حضرت ابراهیم (سلام‌الله علیهما و آلهما)

**وَ تُبْ عَلَیْنَا** و بر ما ببخش، **إِنَّکَ أَنتَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ** و بعد در دعای بعدی می‌فرماید: **رَبَّنَا وَ ابْعَثْ فِیهِمْ رَسُولًا مِّنهُْمْ یَتْلُواْ عَلَیهِْمْ** دعا می‌کند که برای این مردم و این ذریه من و اهل این جا پیامبر مبعوث کن در یک روایتی که در بحار یا در جای دیگر است پیامبر اکرم می‌فرماید **أنا دَعوَتُ إبراهیم** که این اشاره به همین آیه دارد و در دو سه جا این دعا آمده است، عمق دعا این است که گاهی تا دو هزار سال می‌ماند و دعا مستجاب می‌شود، حضرت می‌فرماید: **أنا دَعوَتُ إبراهیم** این همان دعایی است که **رَبَّنَا وَ ابْعَثْ فِیهِمْ رَسُولًا مِّنهُْمْ یَتْلُواْ عَلَیهِْمْ** **ءَایَاتِکَ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتَابَ وَ الحِْکْمَةَ وَ یُزَکِّیهِمْ** یعنی دعا همین‌طور می‌ماند و بعد از قرن‌ها که از حضرت ابراهیم تا پیغمبر حداقل باید پنجاه نسل گذشته باشد ولی این دعا باقی ماند و پیامبر می‌فرماید: **أنا دَعوَتُ إبراهیم**، این دعایی است که حضرت در این جا انجام می‌دهد. می‌بینید که این سنت حضرت ابراهیم بوده است و می‌شود بگوییم مستحب است و القای خصوصیت کنیم، جالب این است که در این مجموعه دعاها هم دعای این است که کسانی از این‌ها به امامت برسند و هم دعای برای امور مادی‌شان است که ثمرات را به آن‌ها بدهد و هم دعای برای قبولی اعمال است هم برای اسلام است و هم برای احکام و اعتقادات مسلمین است و هم اخلاق است که توبه و امثال این‌ها است و هم مسئله استمرار ولایت و این که بین این‌ها رسول باشد که این دعای ابراهیم است یعنی اگر کسی می‌خواهد دعایی بکند این‌طور دعا کند، یک مجموعه‌این‌قدر راقی و عالی آن هم با چنان اخلاص و عمقی که در طول قرون این دعا استمرار پیدا می‌کند و این دعوت در تاریخ ماندگار می‌شود.

# آیات 35 تا 41 سوره ابراهیم

در همین قصه و از همین باب در سوره ابراهیم آیات 35 تا 41 است که مشتمل بر همین دعاهایی است که حضرت ابراهیم دارد، **وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِیمُ رَبّ‌ِ اجْعَلْ هَاذَا الْبَلَدَ ءَامِنًا وَ اجْنُبْنیِ وَ بَنیِ‌َّ أَن نَّعْبُدَ الْأَصْنَام**، این جا توحید و پرهیز از شرک را خواسته است، بَنیَ هم که می‌گوید در این جا ابناء مستقیم و غیرمستقیم را می‌گوید و همان معنای ذریه دارد، **رَبّ‌ِ إِنهَُّنَّ أَضْلَلْنَ کَثِیرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَن تَبِعَنیِ فَإِنَّهُ مِنیّ‌ِ وَ مَنْ عَصَانیِ فَإِنَّکَ غَفُورٌ رَّحِیمٌ**، **رَّبَّنَا إِنیّ‌ِ أَسْکَنتُ مِن ذُرِّیَّتیِ بِوَادٍ غَیرِْ ذِی زَرْعٍ عِندَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِیُقِیمُواْ الصَّلَوةَ فَاجْعَلْ** **أَفِْدَةً مِّنَ النَّاسِ تهَْوِی إِلَیهِْمْ وَ ارْزُقْهُم مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ یَشْکُرُون**، این دعای مادی است، دعای قبلی راجع به دوری از شرک بود و این هم راجع به این است که این جا هم آباد شود و مردم به این جا توجه کنند و ثمرات به آن‌ها بده که در آن جا هم بود، البته در این جا کمی بازتر است **أَفِْدَةً مِّنَ النَّاسِ تهَْوِی إِلَیهِْمْ وَ ارْزُقْهُم مِّنَ الثَّمَرَاتِ،** البته این **أَفِْدَةً مِّنَ النَّاسِ تهَْوِی إِلَیهِْمْ** همان معنای عامش را می‌گیریم که این جا جای پر رونقی شود و رفت‌وآمد کنند و ممکن هم است که مقصود ائمه باشند و این که مردم میل به این‌ها و امامت پیدا کنند که شاید در روایت هم به این اشاره شده است.

**الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی وَهَبَ لیِ عَلیَ الْکِبرَِ إِسْمَاعِیلَ وَ إِسْحَاقَ** و باز مورد سوم از دعاها در این جا این است که **رَبّ‌ِ اجْعَلْنیِ مُقِیمَ الصَّلَوةِ وَ مِن ذُرِّیَّتیِ رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاء**، پس می‌بینیم که در این جا هم در قصه حضرت ابراهیم در این دو سوره مجموعه‌ای از دعاها است که با عنایت نسبت به فرزندانش انجام می‌دهد و قطعاً این مستحب است یعنی یک کار مستحب مؤکدی است که پیامبری هم اصل اولاد صالح خواستند که در هفت هشت آیه با آن تأکید می‌آمد و هم این که صلاح و سعادت دنیا و آخرت را برای آن‌ها خواستند، چه اولاد مستقیم و چه ذریه تا قیام قیامت.

این مجموعه ده دوازده آیه در این دو سوره است که تقریباً مشتمل بر ده نه دعا برای ذریه است، از این که بگذریم.

# آیه 15 سوره احقاف

آیه 15 سوره احقاف هم قصه خاصی برای کسی نیست و بیشتر به نحو قضیه حقیقیه است، **وَ** **وَصَّیْنَا الْانسَانَ بِوَالِدَیْهِ إحسانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ کُرْهًا حَمْلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شهَْرًا حَتیَّ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ وَ وَضَعَتْهُ کُرْهًا وَ** **أَرْبَعِینَ سَنَةً قَالَ رَبّ‌ِ أَوْزِعْنیِ أَنْ أَشْکُرَ نِعْمَتَکَ الَّتیِ أَنْعَمْتَ عَلیَ‌َّ وَ عَلیَ وَالِدَیَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَصْلِحْ لیِ فیِ ذُرِّیَّتیِ إِنیّ‌ِ تُبْتُ إِلَیْکَ وَ إِنیّ‌ِ مِنَ الْمُسْلِمِین**، اگر آن ده دوازده آیه سوره بقره و سوره ابراهیم در قصه خاص حضرت ابراهیم بود یا آیات دیگری که در قصه حضرت زکریا و یحیی و ابراهیم بود.

# دسته‌بندی آیات

این آیات کلی است البته آن آیات قبلی تا این جا همان طور که عرض کردم دو طایفه می‌شود، آیاتی که اصل فرزند صالح را می‌خواهد و طایفه دوم آیاتی که برای سعادت دنیا و آخرت و نعم دنیوی و اخروی دعا می‌کند، در طایفه اول یکی قصه زکریا و یحیی بود که در سه جا آمده بود یعنی در آل عمران و انبیا و مریم و یکی هم قصه حضرت ابراهیم بود که در دو جا آمده بود، حضرت ابراهیم از مواردی که هم در طایفه اول آیاتی داشت و هم در طایفه دوم، این آیه، آیه‌ای است که بحث خاص شخصی ندارد و در واقع عمل یک انسان مؤمن و مسلم را بیان می‌کند و می‌گوید یک انسان تربیت‌شده و هدایت‌شده آن است که این‌طور دعا می‌کند **أَوْزِعْنیِ أَنْ أَشْکُرَ نِعْمَتَکَ الَّتیِ أَنْعَمْتَ عَلیَ‌َّ وَ عَلیَ وَالِدَیَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَئهُ وَ أَصْلِحْ لیِ فیِ ذُرِّیَّتیِ،** هم این انسان مؤمن کسی است که در میانه‌ای قرار گرفته است که هم به فکر پیشینیانش است و هم به فکر آینده است. **رَبَّنَا اِغْفِرْ لَنا وَ لِإِخْوانِنَا اَلَّذِینَ سَبَقُونا بِالْإِیمانِ وَ لا تَجْعَلْ فِی قُلُوبِنا غِلاًّ لِلَّذِینَ آمَنُوا رَبَّنا إِنَّک رَؤُفٌ رَحِیمٌ**  (الحشر/10) که برای سابقین این‌طور توجه می‌کند و در جاهایی هم برای لاحقین، یعنی همیشه انسان مؤمن سابق و لاحق را می‌بیند و سلسله ایمانی را هیچ‌وقت غفلت نمی‌کند، کسی که عالم برزخ می‌رود این دعا همین‌طور روی او اثر می‌گذارد و به او درجات می‌دهد و لذا وقتی دعا می‌کند می‌گوید که **آباءُ أمَّهاتَنی؟؟،** از اول تا حالا همه را دعا می‌کند یعنی همه این‌ها مشمول این توجه‌اند.

این جا **أَشْکُرَ نِعْمَتَکَ الَّتیِ أَنْعَمْتَ عَلیَ‌َّ وَ عَلیَ وَالِدَیَّ وَ أَصْلِحْ لیِ فیِ ذُرِّیَّتیِ إِنیّ‌ِ تُبْتُ إِلَیْکَ وَ إِنیّ‌ِ مِنَ الْمُسْلِمِین** این جا هم از طایفه دوم است که دعا می‌کند که ذریه من را برای من صالح قرار بده، این جا **هَب لَنا مِن أزواجِنا** نیست بلکه **أَصْلِحْ لیِ فیِ ذُرِّیَّتیِ** است که صلاح ذریه را می‌خواهد، آن نکات اصولی یا فقهی که این‌ها در حقیقت دلالت بر استحباب می‌کند و استحباب به‌عنوان اولی و... نکاتی است که دیروز اشاره‌ای کردم و قبلاً هم بارها گفتیم که این‌طور که خدا توصیف می‌کند و این‌ها هم این‌طور دعا می‌کنند یعنی این دعا مستحب است و مستحب مؤکد هم است.

# «دعای برای فرزند» دیدگاه اسلام

مجموعه این آیات به خوبی نشان‌دهنده این بود که در نگاه اسلام هم دعای برای فرزند دار شدن مستحب است اما با قید فرزند صالح و نتیجه دوم این است که دعای برای صلاح و خوبی فرزندان هم مستحب است و سوم این که این دعا هم برای فرزندان بلا واسطه و هم برای **ذریه الی قیام یوم القیامة** مستحب است که این اطلاقات دارد و در این ادله هم مطلق بود و نتیجه چهارم هم این که این دعا دامنه عام و شامل هم دارد از مسائل اعتقادی که **وَ اجْنُبْنیِ وَ بَنیِ‌َّ أَن نَّعْبُدَ الْأَصْنَام**، **رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمَینْ‌ِ لَکَ** می‌گیرد که بخشی از این آیاتی که در این جا بود دعای مربوط به اعتقادات آن‌ها بود، یک بخش مربوط به مسائل احکام بود که **أَرِنَا مَنَاسِکَنَا** و امثال این و یک بخش هم حوزه اخلاق و... بود که **تُبْ عَلَیْنَا** و امثال این‌ها که در این آیات بود و علاوه بر این بخش‌های معنوی و اعتقادی و اخلاقی و احکام و امثال این‌ها یک بخش هم بخش مادی قصه است مثل **وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ** و امثال این و در امور معنوی یک بخش دیگر هم بخش ولایت و امامت بود که **وَابْعَثْ فِیهِمْ رَسُولًا مِّنهُْمْ یَتْلُواْ عَلَیهِْمْ** **ءَایَاتِکَ** و این که خود این‌ها به درجات بالای معنوی برسند. این در واقع می‌خواهد بگوید غیر از آن چه که شما با یک اعمالی تلاش می‌کنید برای این که فرزندانتان صالح و خوب شوند، این دعا هم مهم است و با توجه به نقشی که دعا دارد طبعاً اهمیت دارد. این مجموعه آیاتی است که بخشی از نکاتش در این جا گفته شد و همه خیلی مهم است و مجموعه این‌ها هم باز از یک نگاه دیگری بعضی نقل سنت و سیره انبیا الهی بود که حضرت زکریا و حضرت ابراهیم و اولیای الهی بود و بخشی هم به‌عنوان قضایای حقیقیه بود که به‌عنوان کلی می‌گوید مؤمن این‌طور دعا می‌کند که این دو تا مهم‌ترینش بود یکی **هَب لَنا مِن أزواجِنا وَ ذُرّیتنا قرَّةَ أعین** بود که از اوصاف عباد الرحمن بود و یکی هم در سوره احقاف بود که **وَ وَصَّیْنَا الْانسَانَ بِوَالِدَیْهِ إحسانًا** بود که بعد دعا می‌کند که **أَوْزِعْنیِ أَنْ أَشْکُرَ نِعْمَتَک** و تا آخر، **وَ أَصْلِحْ لیِ فیِ ذُرِّیَّتی**، این هم مجموعه آیات در بحث است.

# روایات در دعا برای فرزند

در وسائل بعد از اجزاء و ارکان نماز که به سجود و رکوع می‌رسد بعد به تعقیبات می‌رسد و یک باب مفصلی در تعقیبات است و بعد وارد ابواب دعا می‌شود، دو سه بابش هم با دعای برای پدر و مادر و فرزندان ارتباط دارد که این ابواب خیلی زیبا و تکان‌دهنده و جالب است، ابواب دعا در کتاب الصّلاة وسائل است، چه وسائل و چه وافیه و حتی شاید بحار هم این‌طور باشد که در ضمن ابواب الصّلاة این آمده است و عنوانش ابواب دعا است یعنی بعد از بحث رکوع و سجود به تعقیبات می‌رسد و خود تعقیبات هم داستان خیلی مفصلی دارد یعنی بعد از رکوع و سجود و تسلیم به ابواب تعقیب می‌رسد که چهل باب در تعقیبات نماز است و بعد به طور خاص برای سجده شکر و... چند باب می‌آید و بعد از آن به ابواب دعا می‌رسد، ابواب دعا در این جا 68 باب است که 43 و 44 و 45 مربوط به دعای برای فرزندان و پدر و مادر است که بعد می‌خوانیم و بعد هم ابواب ذکر است که آن ابواب ذکر هم حدود 50 باب دارد، بعد از این که ارکان و اجزاء نماز تمام شد و رکوع و سجود و قرائت و تشهد و تسلیم و احکام فقهی تمام می‌شود بعد سه باب بسیار مهم دارد که یکی تعقیبات نماز است که دریایی از معرفت در آن جا است و یکی هم بخش دعا است که حدود 40 باب است و یکی هم بحث دعا است که حدود 70 باب دارد و یکی هم ابواب ذکر است که حدود 50 باب دارد، این‌یکی از جاهای مهم وسائل است که در حوزه اخلاق است و در فقه اخلاق این جا یکی از جاهایی است که باید به آن توجه کرد و یک قسمتش هم در فقه تربیت در همین دعا و... است که خدمتتان عرض خواهیم کرد.

 و صلی الله علی محمد و آل محمد

1. [↑](#footnote-ref-1)